



Taiwan's strategic position in the USA-China competition in East Asia

Hamid Dorj

PhD student in International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran

Email: hamid.dorj@gmail.com

Abstract

This article seeks to examine and analyze Taiwan's economic, military, and political position in the US-China competition in East Asia. Taiwan plays a significant role in shaping the power equations for the US and China in East Asia. With China's increasing economic and military power in the region, Beijing has increased the pace of military maneuvers in the waters around Taiwan, which, while threatening Taipei, has increased Washington's presence and support for the island in East Asia. Therefore, Taipei has a high role and importance in the way power is divided between the United States and China in East Asia. Accordingly, the main question of the research is: What is Taiwan's position in the competition between the United States and China in East Asia? The hypothesis of the article is that with China's rapid economic and military growth, followed by the establishment of a chain of naval bases and stations in the waters of the South China Sea by Beijing, as well as its military exercises and maneuvers around Taiwan, China's aggressive behavior has increasingly threatened Taipei and the United States in the region, which has led to an increase in Washington's presence and wider intervention in East Asia and support for Taiwan. By establishing alliances with coastal countries and selling military equipment to Taiwan, the United States is seeking to strengthen and maintain Taipei's defense capabilities and encircle Beijing in the region. This will not only prevent Beijing from dominating the region and changing the balance of power to the detriment of Washington and Taiwan, but will also increase tensions and strategic competition between the United States and China in East Asia. Therefore, Taiwan plays a strategic role in how power is mapped and arranged in East Asia, which is due to Taipei's high economic, military, and political position in Washington and Beijing's relations and foreign policy in the region. The method of collecting information and research data is through library and internet sources, and a descriptive-analytical method has been used to analyze the research data.

Keywords: America, China, Taiwan Strait, competition, balance of power.



جایگاه راهبردی تایوان در رقابت آمریکا و چین در شرق آسیا

حمید دُرَج

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

Email: hamid.dorj@gmail.com

چکیده

این نوشتار درصدد بررسی و تحلیل جایگاه اقتصادی، نظامی و سیاسی تایوان در رقابت آمریکا و چین در شرق آسیا است. تایوان نقش بسزایی در ترسیم و چگونگی معادلات قدرت برای آمریکا و چین در شرق آسیا بازی می‌کند. با افزایش قدرت اقتصادی و نظامی چین در منطقه، پکن سرعت مانورهای نظامی در آب‌های اطراف تایوان را افزایش داده که این امر ضمن تهدید برای تایپه، سبب افزایش حضور واشینگتن و حمایت از این جزیره در شرق آسیا شده است؛ بنابراین تایپه از نقش و اهمیت بالایی در نحوه تقسیم قدرت میان ایالات متحده و چین در شرق آسیا برخوردار است. بدین ترتیب، سؤال اصلی پژوهش این است که تایوان در رقابت آمریکا و چین در شرق آسیا از چه جایگاهی برخوردار است؟ فرضیه مقاله این است که با رشد سریع اقتصادی و نظامی چین و در پی آن ایجاد زنجیره‌ای از پایگاه‌ها و ایستگاه‌های دریایی در آب‌های دریای چین جنوبی توسط پکن و نیز برگزاری رزمایش‌ها و مانورهای نظامی آن در اطراف تایوان، رفتار تهاجمی چین به‌طور روزافزونی باعث تهدید تایپه و ایالات متحده در منطقه شده است که این مسئله سبب افزایش حضور و مداخله گسترده‌تر واشینگتن در شرق آسیا و حمایت از تایوان شده است. ایالات متحده با برقراری اتحاد با کشورهای ساحلی و فروش تجهیزات نظامی به تایوان، درصدد تقویت و حفظ قابلیت دفاعی تایپه و محاصره‌سازی پکن در منطقه برآمده است که این امر ضمن جلوگیری از سلطه پکن بر منطقه و همچنین ممانعت از تغییر موازنه قدرت به ضرر واشینگتن و تایوان، باعث افزایش تنش‌ها و رقابت‌های راهبردی آمریکا و چین در شرق آسیا خواهد شد؛ بنابراین تایوان نقش راهبردی در چگونگی ترسیم و چینش قدرت در شرق آسیا ایفا می‌کند که این امر ناشی از جایگاه بالای اقتصادی، نظامی و سیاسی تایپه در روابط و سیاست خارجی واشینگتن و پکن در منطقه است. شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است و برای تحلیل داده‌های پژوهش نیز از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، چین، تنگه تایوان، رقابت، موازنه قدرت.

مقدمه

با پایان جنگ داخلی جمهوری خلق چین میان کمونیست‌ها و ناسیونالیست‌ها در سال ۱۹۴۹، پیروزی حزب کمونیست و سپس عقب‌نشینی ناسیونالیست‌ها به تایوان، این جزیره به‌مرور نه‌تنها اهمیت خود را از دست نداد، بلکه امروزه به‌عنوان یکی از محورهای اساسی تنش و منازعه در منطقه جغرافیای راهبردی هند و اقیانوس آرام قلمداد می‌شود. افزایش تحرکات نظامی ارتش آزادی‌بخش جمهوری خلق چین در تنگه تایوان، نقض مکرر حریم هوایی تایوان توسط جنگنده‌های پکن و تأکید رهبران عالی‌رتبه چین بر قطعیت اتحاد تایوان با سرزمین اصلی چین در آینده، تایوان را در رأس اختلافات فزاینده بین واشینگتن و پکن قرار داده است. تنگه تایوان از اهمیتی جغرافیای راهبردی برای انتقال انرژی و کالاهای راهبردی به کشورهای شرق آسیا و چین برخوردار است. این تنگه تأثیر بسزایی در شکل‌گیری معادلات قدرت به نفع قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. هر کشوری که تنگه راهبردی تایوان را نظارت کند؛ جریان کالا و انرژی به سمت شرق آسیا را در شرایط کنونی کنترل می‌کند و این امر می‌تواند کمک شایانی به افزایش قدرت و نفوذ دریایی آن قدرت در پهنه آبی شرق آسیا کند. تنگه تایوان بیشترین ظرفیت را برای تبدیل رقابت به رویارویی مستقیم بین ایالات متحده و چین دارد. این تنگه شامل منافع مهم متضاد و ناسازگار است. تنگه تایوان و مناطق اطراف آن برای چین به‌عنوان یک دژ نظامی قوی و عمق راهبردی دفاعی مهم عمل می‌کند. این تنگه یک مسیر راهبردی و مهم برای چین و کشورهای شرق آسیا جهت حمل‌ونقل انرژی، تجارت و جابه‌جایی کالا به شمار می‌آید. از این رو، پکن یک رابطه نزدیک اقتصادی و تجاری با تایوان برقرار کرده است. اهمیت راهبردی تایوان از برتری فناورانه آن در تراشه‌های پیشرفته ناشی می‌شود که فناوری‌های پیشرفته در زمینه‌های ارتباطات، رایانه و نیمه‌رساناها را تولید می‌کنند که در صنایع نظامی و غیرنظامی بسیار مهم و تأثیرگذار هستند؛ بنابراین پکن با درک سهم قابل توجه چنین فناوری‌هایی در نوسازی سامانه‌های دفاعی، تولید نیمه‌هادی‌ها را برای تقویت صنعتی‌سازی دفاعی بومی به شدت افزایش داد. شرکت‌های تایوانی برای خودروسازان بزرگ ایالات متحده و اروپا نیز تراشه تولید می‌کنند؛ بنابراین تایوان یک پیوند کلیدی برای قدرت



واشینگتن در شرق و جنوب شرق آسیا به شمار می‌آید. افزایش منافع اقتصادی (به‌خصوص در حوزه نیمه‌رسانا)، سیاسی و امنیتی ایالات‌متحده در رابطه با تایوان و کشف مجدد ارزش نظامی ذاتی تایوان باعث تکامل تفکر راهبردی ایالات‌متحده به‌ویژه در دوران رؤسای جمهور ترامپ و بایدن در قبال تایپه شده است. فروش تسلیحات نظامی به تایوان به یک کارت اصلی در دست ایالات‌متحده برای توسعه رد پای نظامی واشینگتن در منطقه و موازنه‌سازی و مهار چین در شرق آسیا تبدیل شده است. از این رو، ایالات‌متحده با بهره‌گیری از ظرافت و مهارت دیپلماتیک و با برخورداری از بازدارندگی نظامی، صلح نامطلوبی را در تنگه تایوان برقرار کرده است. واشینگتن نقش حیاتی و مهمی در بازدارندگی چین از اعمال زور و اجبار علیه تایوان ایفا کرده است؛ زیرا پکن به‌خوبی می‌داند در صورت تجاوز به تایوان، ایالات‌متحده نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نخواهد بود. هرچند که ایالات‌متحده، استقلال تایوان را به‌عنوان یک دولت به رسمیت نمی‌شناسد؛ ولی هرگونه اشاره به تایوان از سوی مقامات واشینگتن موجب خشونت پکن می‌شود. ایالات‌متحده از طریق سیاست یک چین (چین واحد)، روابط دیپلماتیک رسمی خود را با چین حفظ کرده است؛ اما در عین حال، یک رابطه غیررسمی قوی با تایوان برقرار کرده است.

چین و ایالات‌متحده دارای طیفی از منافع متضاد در منطقه هستند. حضور ایالات‌متحده به بهانه دفاع از عملیات آزادی دریانوردی شرق آسیا، تهدیدی برای منافع و اهداف منطقه‌ای پکن به شمار می‌آید. در این میان، موضوع تایوان به منافع اصلی چین مربوط می‌شود که این موضوع، ضمن افزایش تنش‌ها و رقابت‌ها میان ایالات‌متحده و چین در منطقه، مانع از توسعه روابط دو کشور می‌شود. چین تنگه تایوان را بخشی از سرزمین اصلی جمهوری خلق چین می‌داند که از حاکمیت ملی این کشور خارج شده است و در صف بازیگران تهدیدکننده چین قرار گرفته است. مقامات پکن جدایی تایوان از سرزمین اصلی چین را خلاف منافع، امنیت ملی و تمامیت ارضی چین قلمداد می‌کنند و ضمن تلاش برای ضمیمه کردن این سرزمین به خاک چین، منافع به‌ویژه منافع امنیتی خود را در خروج آمریکا از منطقه شرق آسیا می‌دانند. این رفتار قاطعانه چین باعث شده تا تایوان نتواند به‌عنوان یک کشور مستقل،

به عضویت سازمان ملل درآید. از سویی، تایوان به عنوان یک شریک قابل اعتماد برای ایالات متحده در شرق آسیا به شمار می آید. فروش تسلیحات و ادوات نظامی به تایوان با هدف تقویت قابلیت های نظامی تایپه و بازدارندگی چین از توسل به زور علیه تایوان به یک کارت اصلی در دست واشینگتن برای بیگانه کردن روابط بین تنگه و مهار چین تبدیل شده است که این امر، ضمن تشدید چالش امنیتی در تنگه تایوان، تهدیدی راهبردی برای منافع و سیاست های پکن در شرق آسیا و تنگه تایوان به شمار می آید. حضور ایالات متحده در شرق آسیا و ائتلاف سازی با کشورهای منطقه علیه قدرت یابی چین در تنگه تایوان، تهدیدی برای سیاست ها و منافع پکن به شمار می آید که این موضوع می تواند به توسعه مسابقه تسلیحاتی و تقابل جغرافیای سیاسی واشینگتن و پکن در منطقه کمک شایانی کند. درواقع، حضور ایالات متحده در آب های اقیانوس آرام و توسعه مناسبات با تایپه در راستای کاهش قدرت چین و برقراری موازنه قدرت به ضرر پکن قابل تحلیل است؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که تایوان در رقابت آمریکا و چین در شرق آسیا از چه جایگاهی برخوردار است؟ این نوشتار براساس نظریه موازنه قدرت شکل گرفته است.

۱. چهارچوب نظری پژوهش

موازنه قدرت بر برابری ظرفیت ها و توانایی های دولت ها و اتحادیه های رقیب تأکید می کند. تا آنجا که تاریخ نشان می دهد ایجاد موازنه قدرت در نظام دگرگون شونده و هرج و مرج بین الملل موجب ثبات خواهد شد و از بین رفتن موازنه ها نیز سبب ستیز قدرت ها می شود. نظریه موازنه قدرت «والتز»^۱ فرض را بر این قرار می دهد که کشورها بیشتر تمایل دارند تا به جای راهبردهای دنباله روی، رفتارهای مبتنی بر موازنه را اتخاذ نمایند. پدیده ایجاد موازنه کشورها در برابر سایرین، درواقع جنبه منحصربه فرد نظام آنارشیک بین المللی است. وی می گوید: «بازیگران درجه دوم اگر در انتخاب خود آزاد باشند، به سمت طرف ضعیف تر متمایل می شوند». والتز با اطمینان بیان می دارد: «سیاست موازنه قدرت هر زمانی که دو

1. Waltz



پیش شرط وجود داشته باشد، به وجود خواهد آمد: یکی این که نظم نظام، آنارشیک باشد و دیگری این که نظام بر از واحدهایی باشد که به دنبال بقا باشند» (والتز، ۱۹۷۹: ۱۲۷-۱۲۱). موازنه قدرت برآیند ضروری سیاست قدرت است و عامل اصلی ثبات در جامعه دولت‌های حاکم به شمار می‌آید. براین اساس، موازنه قدرت نظامی از اتحاد قدرت‌ها است که در آن صلح و امنیت از طریق برابری نسبی میان دو اردوگاه رقیب برقرار می‌گردد (طلوعی و حق شناس: ۱۴۰۰: ۱۹۳). والتز استدلال می‌کند که موازنه قدرت در غیاب شرایط «ضروری» می‌گیرد و هر جا تنها دو پیش شرط برآورده شود، این اصل یعنی موازنه قدرت در آنجا حاکم خواهد بود: ۱. این که نظم آنارشیک باشد و ۲. سامانه مملو از واحدهایی باشد که مایل به بقا هستند. والتز با این مبنای کلی به ارائه جزئیات نظریه خود می‌پردازد. به نظر وی، دولت‌ها بازیگران اصلی یک نظام بین‌الملل آنارشیک هستند و آن‌ها باید برای تأمین امنیت و بقا، به خود متکی باشند. به همین ترتیب، قدرت وسیله‌ای در نظر گرفته می‌شود که هدف دستیابی به امنیت را توجیه می‌کند. این تمرکز بر بقا در چهارچوب یک سامانه لزوماً «خودیار» باعث می‌شود دولت‌ها به توزیع نسبی قدرت که عمده‌تاً براساس «قابلیت‌ها» تعریف می‌شود، توجه داشته باشند. والتز دو وجه اصلی موازنه قدرت را توزیع توانمندی در داخل (موهبت منابع، توانمندی اقتصادی، قدرت نظامی، ثبات سیاسی و کارآمدی) و تجمع توانمندی‌ها در خارج (اتحاد و ائتلاف) مطرح می‌کند. موازنه قدرت تا حد زیادی با توزیع منابع یعنی قدرت نظامی تعیین می‌شود (والتز، ۲۰۱۰: ۱۳۱-۱۱۳). از نظر والتز در جریان رقابت برای بقا، رفتارهای دولت‌ها در میان بازیگران از موازنه قدرت تبعیت می‌کند. از منظر روابط بین‌الملل، کشورها به لحاظ کارکردی تفاوتی ندارند؛ ولی از نظر توانایی‌ها و قابلیت‌ها تفاوت اساسی با یکدیگر دارند. این تفاوت در توانایی‌ها منجر به انتخاب راهبردهای مختلف از سوی کشورها می‌گردد. راهبرد قدرت‌های بزرگ و کوچک در این خصوص با هم تفاوت دارد. زمانی که یکی از قدرت‌های بزرگ با یک تهدید هژمونیک مواجه می‌شود، این قدرت بزرگ با اتخاذ راهبرد موازنه قدرت به مقابله با آن بر خواهد خواست. درحالی‌که چنین امکانی برای کشورهای کوچک و ذره‌ای میسر نیست (ستارزاده و بهرامی مقدم، ۱۴۰۴: ۸۹). در این راستا می‌توان گفت با افزایش

قدرت اقتصادی چین و تقویت توانمندی‌های نظامی چین در منطقه که این موضوع تهدیدی راهبردی برای متحدان ایالات متحده و تایوان به شمار می‌آید؛ واشینگتن با توسعه حضور در شرق آسیا و برقراری ائتلاف با کشورهای ساحلی در صدد حمایت از تایوان و مهار و انزوای پکن برآمده است که این امر می‌تواند به شکل‌گیری معادلات قدرت به نفع تایپه و متحدان منطقه‌ای واشینگتن کمک شایانی کند؛ بنابراین، آنچه هم‌اکنون در حال رخ دادن است؛ تحولات و پویایی چالش امنیتی بین تنگه است که این امر تهدیدات امنیتی بالایی برای کشورهای ساحلی به شمار می‌آید.

۲. پیشنهاد پژوهش

زارعان و دعاگوی روزبهرانی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با نام «سیاست خارجی دولت بایدن در قبال چین با تمرکز بر مسئله تایوان»؛ استدلال می‌کند که ایالات متحده در دوره بایدن تلاش می‌کند از طریق افزایش همکاری‌های نظامی با تایوان در قالب سیاست موازنه‌سازی و کنترل مستقیم منطقه و همچنین با استفاده از احاله مسئولیت به کشورهای منطقه روند قدرت‌افزایی و بلندپروازی‌های چین را مهار کند.

قربانی شیخ‌نشین و حداد زند (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ تجاری چین و آمریکا و پیامد آن بر کشورهای جنوب شرق آسیا؛ مطالعه موردی ویتنام و تایوان»؛ بیان می‌دارند که جنگ تجاری چین و آمریکا از طریق اعمال تعرفه‌های تجاری و ایجاد محدودیت‌های وارداتی نسبت به یکدیگر منجر به تحول در واردات-صادرات و معاملات تجاری با کشورهای جنوب شرق آسیا به‌ویژه ویتنام و تایوان شده است.

«هاس»^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای با نام «روابط ایالات متحده و تایوان: آیا چالش چین به یک بحران منجر خواهد شد؟» به بررسی روابط ایالات متحده و تایوان از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ پرداخته‌اند و برای حل مناقشه تایوان، اصرار به استفاده بیشتر از ابزارهای سیاسی به جای نظامی دارند. آن‌ها به سیاست‌گذاران آمریکایی توصیه می‌کنند: «فضا را برای تایپه و

1. Hass



پکن باز نگه دارند تا راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای اختلافات بین تنگه‌ای بیابند که برای مردم تایوان قابل قبول باشد».

«جویاندی»^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بحران تایوان: یک تحلیل راهبردی در بحبوحه تنش آمریکا و چین»؛ اذعان می‌دارند که از زمان تشدید تنش‌ها بین چین و تایوان، ایالات‌متحده با حفظ روابط دیپلماتیک با چین و همچنین توسعه روابط غیر دیپلماتیک با تایوان، وضعیت را مبهم نگه داشته است. از یک‌سو، راهبرد ایالات‌متحده در حفظ وضعیت موجود در حال حاضر موفق بوده است؛ اما بقیه جهان شروع به زیر سؤال بردن کل این وضعیت کرده‌اند. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که حفظ وضعیت موجود، قابل مشاهده‌ترین راه‌حل برای حفاظت از صلح و ثبات در منطقه شرق آسیا است. نوآوری و تازگی مقاله حاضر این است که ضمن کمبود تحقیقات در زمینه موضوع تایوان به زبان فارسی، به‌صورت هم‌زمان سیاست خارجی آمریکا و چین در قبال تایوان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این در حالی است که تحقیقات قبلی در این رابطه، عمدتاً به بررسی روابط آمریکا با تایوان و جنگ تجاری چین و آمریکا پرداخته‌اند.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. امنیت ملی

امنیت ملی به معنی دستیابی به شرایطی است که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (دالایی، ۱۳۹۵: ۱۶۵-۱۶۴).

۳-۲. منافع ملی

منافع ملی هدفی بنیادی، شاخص‌گایی و راهنمایی کلی برای تعیین و تبیین سیاست خارجی

1. Djuyandi

است. منافع ملی حاصل درک و برداشت کلی از عناصری است که حیاتی‌ترین نیازهای کشور را تشکیل می‌دهند، عناصری همچون حفظ وجود خود اعم از جان مردم و نظام اجتماعی و حاکمیت کشور، استقلال کامل، تمامیت ارضی، امنیت نظامی و رفاه اقتصادی و اعتبار ملی در سطح بین‌المللی (گوهری‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

۳-۳. قدرت منطقه‌ای

قدرت منطقه‌ای نوع ویژه‌ای از تقسیم‌بندی دولت‌هاست که قدرت ملی اصلی‌ترین معیار آن است. در روابط بین‌الملل، به قدرتی منطقه‌ای گفته می‌شود که در یک ناحیه جغرافیایی دارای قدرت است. کشورهای که با بهره‌برداری مناسب از قدرت خود در منطقه یا ناحیه‌ای از جهان دارای قدرت هستند؛ دارای قدرت برتر منطقه‌ای خواهند بود. ساختار قدرت منطقه‌ای یک نظام سلسله‌مراتبی است و براساس وزن جغرافیای سیاسی کشورها در هر منطقه‌ای مشخص می‌شود. دولتی که بیشترین وزن را داشته باشد؛ قدرت اول منطقه به شمار رفته و امکان نفوذ چنین کشوری در امور منطقه فراهم خواهد شد (احمدی‌مقدم، ۱۴۰۰: ۱۴۶).

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش به لحاظ نوع تحقیق، توصیفی-تحلیلی، براساس نوع هدف، توسعه‌ای-کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی تحقیق بر مبنای نوع داده‌ها، روش کیفی است. روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

۵. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۵-۱. اهمیت راهبردی تایوان برای ایالات متحده و چین

تایوان با نام جمهوری چین در جنوب شرقی جمهوری خلق چین قرار گرفته است. درحالی‌که تایوانی‌ها حکومت خود را جمهوری چین تلقی می‌کنند، چینی‌ها این منطقه را چین تایپه می‌نامند. مساحت تایوان ۳۶ هزار کیلومتر مربع و شامل جزیره تایوان و هشتاد جزیره کوچک



دیگر است. پایتخت آن تایپه و نوع حکومتش جمهوری است. جزایر تایوان در ۱۵۰ کیلومتری جنوب شرقی چین و در آب‌های غربی اقیانوس آرام واقع است. طول محیط ساحلی این جزیره، ۱۵۶۶ کیلومتر است که اهمیتی فراوان برای روابط تجاری تایوان با سایر کشورها دارد (زارعان و دعاگوی روزبهرانی، ۱۴۰۲: ۱۶). کانال باشی در جنوب تایوان و تنگه میاکو در شمال آن، آبراه‌های راهبردی مهمی هستند که جمهوری خلق چین از اولین زنجیره جزیره عبور می‌کند. حدود ۵۰ درصد از کل کشتی‌های باری در جهان باید سالانه از طریق تنگه تایوان عبور کنند. منطقه اطلاعات پرواز تایپه با ۱۸ مسیر پروازی بین‌المللی، مرکزی برای مسافران کشورهای جنوب شرقی آسیا است که به سمت شمال شرق آسیا و آمریکای شمالی می‌روند. در نتیجه، وضعیت در سراسر تنگه تایوان به شدت با امنیت خطوط ارتباطی بین‌المللی و توسعه اقتصادی جهانی مرتبط است. با گسترش روزافزون و شدت ارباب جمهوری خلق چین علیه تایوان، جامعه بین‌الملل به تدریج متوجه می‌شود که صلح و ثبات در سراسر تنگه تایوان عوامل ضروری برای حفظ امنیت بین‌المللی و توسعه اقتصادی جهانی است و بنابراین امنیت در سراسر تنگه تایوان به یک موضوع جهانی تبدیل شده است (اریکسون^۱ و وثنو^۲، ۲۰۱۶: ۱۴). اهمیت جغرافیای راهبردی تایوان برای منافع امنیت ملی ایالات متحده در اقیانوس هند و اقیانوس آرام به طور فزاینده‌ای توسط واشینگتن به رسمیت شناخته شده است: «تایوان در یک گره کلیدی با اهمیت جغرافیای راهبردی در اولین زنجیره جزیره اقیانوس هند و اقیانوس آرام قرار دارد که خطوط ارتباطی دریایی را بین اقیانوس آرام غربی، دریای چین جنوبی و اقیانوس هند به هم مرتبط می‌کند. شبکه‌ای از متحدان و شرکای ایالات متحده که از مجمع‌الجزایر ژاپن تا فیلیپین و تا دریای چین جنوبی امتداد دارد؛ در سواحل تایوان لنگر انداخته است. تایوان در بخش نیمه‌هادی‌های پیشرفته پیشرو است و یک دموکراسی پرجنب‌وجوش است؛ بنابراین این تنگه برای امنیت منطقه و برای دفاع از منافع حیاتی ایالات متحده در اقیانوس هند و اقیانوس آرام حیاتی است» (گوردون^۳ و همکاران، ۲۰۲۳: ۵۰).

1. Erickson

2. Wuthnow

3. Gordon

اگرچه پکن کارشناسان تایوان را به کار در کارخانه‌های نیمه‌هادی چین و تقویت صنعت تراشه چین ترغیب می‌کند؛ با این حال، چین همچنان به پیشرفته‌ترین تراشه‌های نیمه‌هادی تایوان برای مونتاژ محصولات با فناوری بالا که برای افزایش صنعتی شدن دفاعی آن ضروری هستند؛ متکی است که این امر یک نگرانی عمده برای سیاست‌گذاران ایالات متحده است. اهمیت شرکت تولیدکننده نیمه‌هادی تایوان در این است که بزرگ‌ترین سازنده تراشه در جهان یعنی تقریباً تمام فناوری‌های تراشه‌های پیشرفته از تراشه‌های تلفن همراه گرفته تا موتورهای هواپیما و تراشه‌های تسلیحاتی پیشرفته است. این شرکت برای خودروسازان بزرگ در سراسر ایالات متحده، اروپا و آسیا و جت‌های جنگنده F-35 ایالات متحده تراشه تولید می‌کند. علاوه بر این، شرکت تولیدکننده نیمه‌هادی تایوان ۵۰ درصد از بازار تراشه‌های جهانی را با ظرفیت تولید تراشه‌های ۵ نانومتری کنترل می‌کند که برتر از تراشه‌های ایتل ایالات متحده است و امکان دسترسی به داده‌های محاسباتی پرسرعت برای استفاده نظامی و تحقیقات علمی را فراهم می‌کند؛ بنابراین، این تسلط در صنعت تراشه به تایوان اجازه داد تا از اهمیت راهبردی فزاینده خود استفاده کند؛ زیرا برای رشد اقتصادی به چین و برای امنیت ملی به ایالات متحده وابسته است؛ حتی بدون این که روابط دیپلماتیک رسمی با واشینگتن داشته باشد (ماهر، ۲۰۲۳: ۵).



نقشه ۱: موقعیت راهبردی تایوان (هاس، ۲۰۲۲: ۱۲۳)

براین اساس، در صورت اعطای استقلال سیاسی به تایوان، این تنگه برای مبادلات تجاری و بازرگانی بازخواهد شد و دریای چین جنوبی چین را به شلوغ‌ترین منطقه دریایی در جهان



برای تجارت تبدیل می‌کند. کلید دفاع دریایی چین، منافع جغرافیای سیاسی تایوان در چین است. برای چین و بقیه شرق آسیا، تایوان و مناطق اطراف آن به‌عنوان یک پایگاه نظامی بی‌بدیل عمل می‌کنند. تایوان به‌عنوان یک دژ نظامی قوی و نقطه پشتیبانی راهبردی، دارای عمق راهبردی مشخصی برای دفاع است و به‌راحتی توسط یک عقبه راهبردی پشتیبانی می‌شود. تایوان دارای بنادر نظامی عظیم، فرودگاه‌ها و دریاهاى متحرک وسیع است و در یک منطقه دریایی بحرانی واقع شده است. حمله به شمال و جنوب تایوان از هر دو انتهای شمالی و جنوبی آن امکان‌پذیر است که دسترسی مستقیم به دریا و حفاظت یکپارچه کافی دارند. یکی از «ناوهای هواپیما بر غرق نشدنی» در دفاع دریایی چین، تایوان است. هنگامی که نیروهای دشمن کنترل تایوان را به‌دست گرفتند؛ کل تنگه تایوان را می‌توان تنها با موشک‌های ضد کشتی مستقر در ساحل مسدود کرد و این‌که آیا جزیره ازدست‌رفته یا به دست می‌آید؛ بر چگونگی توسعه چین در آینده تأثیر خواهد داشت. نگرانی اصلی چین این است که ایالات‌متحده، تایوان را «الگوی دموکراسی» می‌داند و می‌خواهد از تایوان حمایت کند تا بر توسعه سیاسی سرزمین اصلی چین تأثیر بگذارد. مثل تیغه‌ای که به قلب ثروتمندترین منطقه ساحلی جنوب شرقی چین می‌خورد؛ تایوان بزرگ‌ترین ابزار چانه‌زنی ایالات‌متحده علیه چین به شمار می‌آید؛ بنابراین تایوان برای ایالات‌متحده از اهمیت راهبردی برخوردار است؛ زیرا این تنگه یک پیوند کلیدی برای قدرت ایالات‌متحده در شرق و جنوب شرق آسیا است (چن، ۲۰۲۳: ۹).

۲-۵. سیاست تهاجمی چین در قبال تایوان

در یک دهه گذشته، چین به یک بازیگر فعال فزاینده در صحنه جهانی تبدیل شده است. پیامدهای توسعه سریع اقتصادی و نظامی چین و نفوذ سیاسی فزاینده آن باعث نگرانی‌های امنیتی در سراسر آسیای جنوب شرقی شده است. این موضوع در مورد مناقشه دریای چین جنوبی مشهود است که یک مناقشه ارضی و دریایی بین چین، فیلیپین، ویتنام، تایوان، برونئی

و مالزی است. چین چندین سال است که ادعای حاکمیت بر دریای جنوبی چین داشته است (دینه^۱، ۲۰۱۹: ۲۹). علاوه بر این، چین خط ساحلی طولانی دارد که اگر محافظت نشود؛ احساس می‌کند آسیب‌پذیر است. به‌منظور جلوگیری از این آسیب‌پذیری، پکن در تلاش است تا حاکمیت خود را بر دریای چین جنوبی اعمال کند؛ به‌ویژه زمانی که این منطقه بیشتر مورد توجه کشورهایمانند ژاپن، هند و ایالات‌متحده قرار گرفته است (تمیتایو^۲، ۲۰۱۷: ۵). از نظر واقع‌گرایان تهاجمی، یکی راه‌های افزایش قدرت نسبی از طریق حفظ بقا و تمامیت ارضی است. دریای چین جنوبی برای دولت چین از اهمیت راهبردی حیاتی برخوردار است؛ کنترل بیشتر این منطقه باعث افزایش قدرت نسبی پکن می‌شود. این منطقه برای چین حائز اهمیت فراوانی است؛ زیرا دارای حجم عظیمی از منابع طبیعی در زیر بستر دریا و مسیرهای کشتیرانی مهمی است که برای رشد مداوم پکن ضروری است. اگر چین کنترل این منطقه را به‌دست آورد؛ یک‌سوم مسیرهای کشتیرانی تجاری جهان را کنترل خواهد کرد، همچنین حضور ایالات‌متحده را محدود خواهد کرد و هم‌زمان توانایی‌های عملیاتی واشینگتن را کاهش خواهد داد (اورورک^۳، ۲۰۱۹: ۳). از این‌رو، رفتار قاطعانه چین در دریای چین جنوبی، بیانگر این است که پکن یک قدرت تجدیدنظرطلب است که به دنبال هژمونی منطقه‌ای و تسلط بر آسیا است.

اگرچه حساسیت چینی‌ها نسبت به سرنوشت تایوان بعد از انقلاب کمونیستی ۱۹۴۹ میلادی و فرار ملی‌گرایان به این جزیره برانگیخته شد؛ اما گره خوردن آن به وجهه بین‌المللی چین و تبدیل شدن این جریان به وجهی غیرقابل مصالحه منافع ملی این کشور زمانی عینیت یافت که اولاً آمریکا به حمایت همه‌جانبه از این جزیره و حکومت حاکم بر آن پرداخته و ثانیاً چینی‌ها در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ میلادی، موفق به بازگرداندن ماکائو به سرزمین اصلی شدند. تصویب قانون «ضد جدایی‌طلبی» در سال ۲۰۰۵، تلاش برای انزوای تایوان در مجامع بین‌المللی، اعلام چندین آماده‌باش برای درگیری نظامی، مشارکت فعال در بحران ۱۹۹۵ تنگه

1. Dinh

2. Temitayo

3. O'Rourke



تایوان و رویارویی ضمنی با آمریکا، اعلام مخالفت صریح و قاطع با برگزاری هرگونه رفراندوم یا انتخابات در تایوان و تلاش برای وابسته کردن سرمایه‌های خارجی تجار تایوانی به بازار چین؛ ازجمله محورهای تلاش چین برای مدیریت منازعه و اعاده این جزیره به سرزمینی اصلی است که این امر به‌نوعی بیانگر اهمیت حیاتی حل‌وفصل چالش و ممانعت از جدایی این جزیره برای چینی‌هاست. به این ترتیب، پکن استفاده از گزینه حمله نظامی در صورت نپذیرفتن «چین واحد» از سوی تایوان و تلاش آن برای استقلال را پیوسته مورد تأکید قرار داده است (ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). این‌که گزینه نظامی تا چه اندازه بر سیاست پکن و تایوان، ازجمله استفاده احتمالی از زور، تأثیر خواهد گذاشت؛ به محاسبه هزینه‌ها و منافع آن در یک درگیری نظامی بین تنگه با در نظر گرفتن مداخله احتمالی ایالات متحده بستگی دارد (موریس^۱، ۲۰۲۲: ۶). مسئله تایوان خط قرمز چین به شمار می‌آید و چینی‌ها به‌هیچ‌وجه حاضر به انعطاف در این زمینه نیستند. شتاب اقتصادی چین و افزایش قدرت نظامی و فناوری آن، بلندپروازی‌های این کشور را بیشتر خواهد کرد و انگیزه و توانایی چین را برای دستیابی به این آرزوها افزایش خواهد داد؛ بنابراین با ظهور چین قدرتمند، موضوع تایوان از اهمیت بسیار بیشتری برای رهبران چین برخوردار خواهد شد. رهبران چین، آشکارا حق استفاده از نیروی نظامی را برای جلوگیری از استقلال کامل تایوان برای خود محفوظ اعلام کرده‌اند (زارعان و دعاگوی روزبھانی، ۱۴۰۲: ۴) که این امر سبب افزایش تنش‌ها میان چین و ایالات متحده و بی‌ثباتی‌ها در شرق آسیا خواهد شد.

چین ادعاهای ارضی بر تایوان در دریای چین جنوبی را مطرح کرده است تا از دستیابی به فناوری‌های پیشرفته تراشه با استفاده راهبردی و امن بودن مسیرهای کشتیرانی دریایی و همچنین منابع بالقوه انرژی، علاوه بر سرمایه‌گذاری هنگفت در ساخت نیروهای دریایی توانمند برای عملیات، در آب‌های عمیق در سطح جهانی نیز اطمینان حاصل کند. با توجه به این مسئله، موضع تزلزل‌ناپذیر پکن در مورد تایوان این است که این جزیره در نهایت باید به سرزمین اصلی چین بازگردد؛ چه به‌صورت مسالمت‌آمیز و چه از طریق زور. برای چندین

دهه، چین ترجیح داده است که اتحاد مجدد تایوان از طریق ابزارهای غیرنظامی اتفاق بیفتد که یکی از آن‌ها ایجاد روابط اقتصادی قوی با تایپه برای بیش از ۲۰ سال است و علی‌رغم تلاش‌های تایوان برای تنوع بخشیدن، سرمایه‌گذاری خارجی این کشور به‌ویژه در فناوری همچنان به چین وابسته است. هدف راهبردی پکن ایجاد شرایطی است که در نهایت منجر به انحلال تایوان در سرزمین اصلی چین شود. با این حال، اگر این سیاست شکست بخورد؛ تهاجم به تایوان تنها جایگزین مناسب برای پکن خواهد بود (باون^۱ و وانگ^۲، ۲۰۲۳: ۴). تهاجم چین به تایوان به دلیل ترس از پاسخ نظامی از سوی ایالات متحده و تایوان که به شدت به سلاح‌های آمریکایی مسلح است؛ اقدامی تأخیری است. با این حال، این ترس در سال‌های اخیر با افزایش بی‌سابقه توانایی نظامی پکن کاهش یافته است و تحلیل‌گران معتقدند که این گام در نهایت انجام خواهد شد؛ اما نمی‌توان زمان آن را پیش‌بینی کرد. درس خوبی که چینی‌ها از بحران تنگه تایوان در سال ۱۹۹۶ آموختند این است که از تحقیرهایی که تجربه کردند، اجتناب کنند. زمانی که ایالات متحده در زمان کلinton دو ناو هواپیمابر را در بزرگ‌ترین پایگاه قدرت نظامی ایالات متحده در آسیا از زمان جنگ ویتنام در منطقه مستقر کرد و پکن را مجبور به عقب‌نشینی از منطقه کرد. این امر پس از این که چین مسیر کشتیرانی تجاری که اقتصاد تایوان به آن وابسته است را تهدید کرد؛ اتفاق افتاد (آلیسون^۳، ۲۰۱۷: ۱۴). براساس نظریه والتز، در یک نظام آنارشیک بین‌المللی، دولت‌ها برای بقا و افزایش امنیت خود مجبور به مقابله با تمرکز قدرت در نظام بین‌الملل هستند. تمامی بازیگران حاضر در سامانه، از انباشت قدرت بسیار نگران می‌شوند و تلاش می‌کنند هرگونه تغییر در سطح سامانه را رصد کرده و آمادگی خود را برای پاسخ‌گویی افزایش دهند (والتز، ۲۰۱۰: ۱۰۶).

در سال‌های اخیر، چین به‌وضوح تاکتیک‌های فشار خود را علیه تایوان، از تشدید تهدیدات نظامی گرفته تا انزوای بین‌المللی جزیره افزایش داده است و برخی تحلیل‌گران اذعان می‌دارند که پکن ممکن است وسوسه شود که برای اتحاد مجدد تایوان به استفاده از

-
1. Bown
 2. Wang
 3. Allison



زور متوسل شود. تمرین‌های نظامی ارتش آزادی‌بخش خلق در نزدیکی یا اطراف تایوان و همچنین تعداد پروازهای هواپیماهای جنگنده در نزدیکی خط میانی و در سراسر خط میانی، اغلب صدها سورتی پرواز در یک ماه، بیشتر شده است. رهبران ارشد نظامی ایالات متحده تخمین زده‌اند که چین می‌تواند تا سال ۲۰۲۷ به تایوان حمله کند. یک ژنرال چهار ستاره آمریکایی حتی به جنگ با چین در اوایل سال ۲۰۲۵ هشدار می‌دهد (یوان، ۲۰۲۳: ۸۱). درعین حال، وزیر دفاع تایوان در اظهارات خود اعلام کرده است که جمهوری خلق چین تا سال ۲۰۲۵ کاملاً از توان لازم برای اجرای یک حمله همه‌جانبه به جزیره برخوردار خواهد بود. در ژوئن سال ۲۰۲۰، جیمز استاوریدیس^۲، دریاسالار بازنشسته و فرمانده عالی سابق سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) اظهار داشت که در بالاترین سطوح ارشد پکن استدلال قانع‌کننده‌ای وجود دارد که لحظه ایدئال برای حمله به تایوان وجود دارد (بلک ویل^۳ و زلیکو^۴، ۲۰۲۱: ۶۲-۶۱). علاوه بر این، رهبران چین استدلال می‌کنند که با توسعه امپراتوری هسته‌ای، این کشور به انجام رفتارهای تهاجمی در سایر نقاط دنیا دست خواهد زد و به‌ویژه منافع آن‌ها در شرق آسیا را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار خواهد داد. از این رو، آن‌ها مجبور خواهند بود با دقت بیشتری درباره مسائلی نظیر تایوان تصمیم‌گیری کنند؛ زیرا در صورت دخالت نظامی آمریکا در تایوان و عکس‌العمل نیروهای نظامی چین ممکن است زرادخانه‌های هسته‌ای آن‌ها مورد حمله ارتش آمریکا قرار گیرد. بر همین اساس، پکن ضمن افزایش توانمندی نظامی خود در این زمینه، درصدد برآمده تا در صورت بروز منازعه در تنگه تایوان، واشینگتن را از مداخله نظامی در این تنگه باز دارد (وئوقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳). حمله جمهوری خلق چین به تایوان برنامه‌های شی جین پینگ^۵، برای نوسازی داخلی را مختل می‌کند و جایگاه جهانی این کشور را تضعیف خواهد کرد که این امر به احتمال زیاد منجر به اعمال تحریم‌های بین‌المللی قابل توجهی علیه چین می‌شود، ائتلاف جهانی علیه این کشور

1. Yuan

2. James Stavridis

3. Blackwill

4. Zelikow

5. Xi Jinping

را افزایش می‌دهد و می‌تواند به افزایش تنش‌ها و خصومت‌ها میان واشینگتن و پکن منجر شود. وجود مسئله تایوان در روابط ایالات متحده و چین، ضمن تشدید پویایی چالش امنیتی بین تنگه و توسعه مسابقه تسلیحاتی در منطقه، چشم‌انداز صلح و ثبات منطقه‌ای را خدشه‌دار خواهد کرد که این امر می‌تواند تأثیر منفی بر امنیت انتقال انرژی در منطقه شرق آسیا داشته باشد. از طرفی، آمریکایی‌ها تایوان را به‌عنوان یک اهرم فشار علیه چین و مستمسکی برای سرگرم کردن چین در محیط امنیتی پیرامونی آن در نظر می‌گیرند. درگیر کردن چین در محیط امنیتی پیرامونی‌اش، چین را از رشد اقتصادی و توان رقابت با سایر رقبای به‌ویژه آمریکا باز می‌دارد. علاوه بر این، مداخله آمریکا در مسئله تایوان، سبب تقویت حضور این کشور در شرق آسیا می‌شود.

۵-۳. تلاش دولت بایدن برای گسترش روابط با تایوان

با تشدید رقابت راهبردی بین چین و ایالات متحده، دولت ترامپ تلاش‌های خود برای بازی با کارت تایوان را تشدید کرد و به ارتقای روابط رسمی با تایوان سرعت بخشید. براین اساس، روابط شبه اتحاد میان ایالات متحده و تایوان ایجاد شد. ایالات متحده سپس سیاست خود را در قبال تایوان تنظیم کرد و شدت و دامنه روابط اساسی بین واشینگتن و تایپه را افزایش داد که از زمان برقراری روابط دیپلماتیک بین چین و ایالات متحده امری نادر بود (زارعان و دعاگوی روزبهرانی، ۱۴۰۲: ۲۸). کنگره به‌ویژه در ابلاغ و تصویب قوانینی برای نشان دادن تعهدات ایالات متحده برای حمایت از تایوان فعال بوده است. در این رابطه، لوایح متعددی تصویب شده است که از آن جمله می‌توان به قانون سفر تایوان (۲۰۱۸) که بازدیدهای سطح بالا را بین مقامات ایالات متحده و تایوانی تشویق می‌کند؛ قانون ابتکار اطمینان بخشی آسیا (۲۰۱۸) که از روابط کلی ایالات متحده و تایوان حمایت می‌کند و قانون تاب‌آوری تقویت شده تایوان (قبلاً قانون سیاست تایوان نامیده می‌شد) به‌عنوان بخشی از قانون مجوز دفاع ملی ۲۰۲۲ اشاره کرد. قانون تاب‌آوری تقویت شده تایوان به‌تنهایی ۱۰ میلیارد دلار کمک امنیتی به تایوان را به مدت پنج سال مجاز می‌کند. در نهایت، ایالات متحده در سال‌های اخیر آشکارا



از تلاش‌های تایوان در گسترش فضای بین‌المللی آن حمایت کرده و تماس‌های غیررسمی فزاینده دموکراسی جزیره با کشورهای همفکر منطقه را تشویق کرده است (یوان، ۲۰۲۳: ۶۳). دولت ترامپ فروش ۱۱ نوع تسلیحات نظامی به تایوان شامل ۶۶ فروند هواپیمای جنگنده F-16 V، هواپیماهای بدون سرنشین و موشک‌ها را به منظور افزایش قابلیت‌های دفاعی این جزیره به مبلغ ۱۵ میلیارد دلار تصویب کرد که در نوع خود بزرگ‌ترین فروش تجهیزات نظامی ایالات متحده به تایوان از سال ۱۹۷۹ است. با ورود بایدن به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۱، ایالات متحده فروش تسلیحات نظامی به تایوان، حضور نظامی در منطقه و برقراری مراودات دیپلماتیک با تایوان را تشدید کرده است. دولت بایدن در دو سال اول ریاست خود، فروش تسلیحات به تایوان را نزدیک به ۲/۵ میلیارد دلار تأیید کرده است. ایالات متحده مجدداً بر علاقه خود به حفظ صلح و ثبات و تعهد خود برای حمایت از دفاع مشروع تایوان تحت قانون روابط تایوان تأکید کرده است (لی^۱، ۲۰۲۲: ۷). درواقع، واشینگتن در تلاش است تا با تحریک مناطق جدایی طلب مانند تایوان و فروش تسلیحات به آن و همچنین با حضور نظامی گسترده در دریا و آسمان شرق آسیا، قدرت خود را به رخ پکن بکشد.

روابط دفاعی آمریکا و تایوان تنها به فروش تسلیحات محدود نمی‌شود. در طول سال‌های اخیر، ایالات متحده و تایوان روابط دفاعی نزدیکی ایجاد کرده‌اند. این روابط شامل مشاوره دفاعی منظم، مانند به اصطلاح «مذاکرات مونتری» است که برای اولین بار در مونتری واقع در کالیفرنیا در سال ۱۹۹۷ برگزار شد؛ آموزش افسران نظامی تایوانی در پایگاه‌های نظامی ایالات متحده؛ مشارکت پرسنل نظامی ایالات متحده در تمرینات نظامی تایوان مانند؛ رزمایش هان کوانگ^۲ و آموزش‌های مربوط به انتقال تجهیزات دفاعی خریداری شده است. علاوه بر این، تعاملات بیشتر بین تایوان و ایالات متحده، واشینگتن را قادر ساخته است تا فرایندهای برنامه‌ریزی دفاعی و تدارکات تایپه را بهتر درک کند؛ به‌طوری‌که هماهنگی مؤثر در طول بحران‌ها تسهیل‌تر می‌شود (یگر^۳ و گریستن^۴، ۲۰۲۲: ۵). حمایت فزاینده آمریکا از تایوان در

1. Lee
2. Han Kuang
3. Yeager
4. Gerichten

ماه‌های اخیر ازجمله افزایش سفرهای رسمی مقامات عالی‌رتبه دولت ایالات متحده و سیاستمداران ارشد در تایوان که حتی در زمان ترامپ شاهد آن نبوده‌اند؛ چین را تحریک کرد؛ زیرا پکن بازدیدهای دولت خارجی از این جزیره را منزله به رسمیت شناختن واقعی استقلال تایوان و به چالش کشیدن حاکمیت چین می‌داند. همان‌طور که پکن مشاهده می‌کند، واشینگتن در حمایت از تایوان به‌طور فزاینده‌ای فعال شده است و این امر باعث شده است که چین به‌شدت واکنش نشان دهد تا مبادا ایالات متحده به این نتیجه برسد که می‌تواند بدون مجازات روابط رسمی بیشتری با تایوان برقرار کند و نمونه‌ای برای سایر کشورها باشد (هاس، ۲۰۲۲: ۵-۴)؛ بنابراین در حالت آنارشی تنها راه کنترل مؤثر بر ظهور قدرت یک کشور دیگر، افزایش قدرت داخلی یا ترکیب قوا با سایر دولت‌ها جهت مقابله با قدرت سلطه‌جو به حساب می‌آید. از منظر موازنه قدرت، ویژگی‌های دولت هژمون تضمین‌کننده رفتار آن در آینده نیست؛ بنابراین تنها قدرت می‌تواند قدرت را مهار کند و این دقیقاً همان چیزی است که موازنه قدرت ایجاب می‌کند (والتز، ۲۰۱۰: ۶۱). بدون شک، دولت بایدن از پیامدهای احتمالی چنین سیاست‌هایی آگاه است و با وجود آن، روی تحریک پکن کار می‌کند. رقابت آمریکا و چین با اعلام سفر نانسی پلوسی^۱، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان، در ۲ اوت ۲۰۲۲، تشدید شد. چند روز پس از این که پلوسی قصد خود را برای سفر به تایوان با هدف حمایت از متحدان ایالات متحده اعلام کرد؛ بایدن اظهار داشت که «ارتش فکر می‌کند در حال حاضر ایده خوبی نیست». بدیهی است که این بیانیه پس از تهدید چین به اتخاذ تدابیر قاطع و قوی در صورت ادامه سفر پلوسی بیان شد (کیم^۲، ۲۰۲۲: ۵). از نظر هدف، این اعلامیه و انتقادات بعدی آن را می‌توان به‌عنوان چراغ سبز چین برای پیشروی در تایوان تلقی کرد. با این وجود، چین به دیپلماسی متوسل شد و به آمریکایی‌ها پیام داد که چینی‌ها این بازی را درک می‌کنند. هدف اصلی این دیدار دستیابی به دو هدف بود: تأکید بر هژمونی ایالات متحده به‌عنوان تنها قدرت جهانی و درعین‌حال تضعیف روحیه چین در سطح جهانی و مهم‌تر از آن تحریک چینی‌ها برای حمله به تایوان. ایالات متحده از قبل می‌دانست

1. Nancy Pelosi

2. Kim



که چین هواپیمای پلوسی را ساقط نمی‌کند و بیشترین کاری که چینی‌ها می‌توانند برای پاسخ دادن انجام دهند، سرعت دادن بیشتر به فعالیت‌های هوایی و دریایی نزدیک به تایوان است. از این‌رو، پس از فرود هواپیمای پلوسی در تایوان، وزارت دفاع آمریکا واکنش چین را پیش‌بینی کرده بود، زیرا چین مانورهای نظامی فعال و رزمایش‌های موشکی را آغاز کرد که جزیره را محاصره کرد و به‌جای تهاجم، سرعت فعالیت‌های دریایی و هوایی در تنگه تایوان را افزایش داد (ماهر، ۲۰۲۳: ۵). با این حال، این چالش، حتی با محاصره تایوان، همچنان وجود دارد. ایالات متحده همچنان فرصتی برای مداخله برای رفع محاصره متحدان خود خواهد داشت؛ بنابراین چین را بیشتر به سمت تشدید تنش می‌کشد. این استدلال که در ایالات متحده اشتیاق عمومی برای یک درگیری نظامی وجود ندارد و چین به احتمال زیاد بدون توسل به‌زور به دنبال پیروزی است (هاس، ۲۰۲۲: ۷). ظاهراً یک ایدئال است؛ زیرا هیچ تضمینی وجود ندارد که پیگیری چین برای اتحاد با تایوان به رویارویی خشونت‌آمیز منجر نشود و به‌طور هم‌زمان هیچ نشانه‌ای از تغییر در سیاست آمریکا و چین در مورد تایوان وجود ندارد؛ بنابراین بایدن به موضع‌گیری قاطعانه در سیاست خارجی در قبال تایوان ادامه خواهد داد که این امر باعث توسعه رقابت جغرافیای راهبردی ایالات متحده با چین در شرق آسیا و تنگه تایوان خواهد شد. در حال حاضر، احیای تفکر در میان محققان در مورد راهبرد کلان آینده ایالات متحده وجود دارد که با سناریویی متفاوت از جنگ سرد در یک محیط بین‌المللی با پیچیدگی‌های در حال گسترش مواجه است (لاین^۱، ۲۰۱۷: ۲۶۹). در پرتو این احیا، درخواست‌ها برای یک راهبرد کلان جدید برای ایالات متحده دقیقاً به دلیل این پیچیدگی مطرح شده است و ادعا می‌کند که ایالات متحده باید با واقعیت‌های پیچیده جدیدی مواجه شود که نشان می‌دهد چین در منطقه دریای چین جنوبی از ایالات متحده پیشی می‌گیرد. در نتیجه، خواسته‌هایی برای ارزیابی مزیت ایالات متحده از ماندن در موقعیت قدرت در هند و اقیانوس آرام وجود دارد و این‌که آیا آمریکا مسئول جلوگیری از بازپس‌گیری تایوان توسط چین خواهد بود. علاوه بر این، ایالات متحده باید موضع متحدان خود در اقیانوس آرام هند را در

1. Layne

یک رویارویی فرضی ایالات متحده و چین مورد بازنگری قرار دهد که ممکن است در مورد مناقشه بر سر تایوان کاملاً با ایالات متحده موافق نباشد. براساس راهبرد ۲۰۲۲ هند و اقیانوسیه ایالات متحده، دولت بایدن بر محوریت منطقه هند و اقیانوس آرام در راهبرد ایالات متحده تأکید کرد و یک برنامه عملیاتی مبتنی بر تقویت بازدارندگی و تضمین نقش ماندگارتر ایالات متحده در منطقه ارائه کرد که این امر می‌تواند با چالش فزاینده چین به‌طور مؤثرتری مقابله کند (تامپسون^۱، ۲۰۲۳: ۳۳). تمرکز بر تقویت ظرفیت‌های منطقه و تقویت هماهنگی بین ایالات متحده و متحدانش، احتمالاً به تنش‌ها در اقیانوس هند و اقیانوس آرام دامن می‌زند. اتصالات هند و اقیانوس آرام یک شبکه بسیار پیچیده را ایجاد می‌کند. اگرچه متحدان ایالات متحده از گسترش عظیم چین در منطقه می‌ترسند؛ اما تمایل واقعی به جنگ با ایالات متحده علیه چین بر سر تایوان ندارند. اکثر کشورها در اقیانوس هند و اقیانوس آرام سعی می‌کنند از تسلط قدرت‌های بزرگ در منطقه اجتناب کنند (کراتیوک^۲، ۲۰۲۳: ۲۵۵). در صورت بروز درگیری بر سر جزیره، اکثر کشورهای شرق آسیا می‌توانند از ایالات متحده حمایت لجستیکی کنند. برای مثال، فیلیپین ممکن است به ایالات متحده اجازه دسترسی به پایگاه‌های نظامی در پالوان نزدیک تایوان را برای دفاع دسته‌جمعی بدهد. ژاپن همچنین ممکن است دسترسی ایالات متحده به پایگاه نظامی خود در اوکیناوا را فراهم کند (اسکات^۳، ۲۰۱۸: ۲۳) و قابلیت همکاری با واشینگتن را ارتقا دهد. باین‌حال، مشارکت آمریکا با متحدان منطقه‌ای ممکن است امنیت ژاپن را به خطر بیندازد؛ زیرا ممکن است توکیو در درگیری بین واشینگتن و پکن به یک هدف هسته‌ای تبدیل شود. استرالیا می‌تواند مرکزی برای تأمین مجدد نیروها و تأمین امنیت خطوط دریایی در منطقه باشد. در مورد کره جنوبی، این کشور به احتمال زیاد از مشارکت کامل در یک درگیری بالقوه بر سر تایوان اجتناب می‌کند، نخست این‌که، در برابر کره شمالی، رقیب اصلی خود، آسیب‌پذیر خواهد شد و دوم این‌که سئول منفعی در چین دارد و از تلفاتی پکن می‌ترسد. در نهایت، متحدان اصلی ایالات متحده در

-
1. Thompson
 2. Kratiuk
 3. Scott



اقیانوس هند و اقیانوس آرام، با افزایش تنش‌ها در منطقه، نمی‌توانند بی‌طرف بمانند. آن‌ها با همسویی‌ها و مشارکت‌های قوی با ایالات متحده متعهد شده‌اند که باید با واشینگتن همکاری کنند. درحالی‌که متحدان عمدتاً از طریق حمایت لجستیکی به واشینگتن متمایل می‌شوند؛ اما آن‌ها احتمالاً از مشارکت کامل در درگیری علیه چین خودداری می‌کنند؛ زیرا از تلافی پکن نیز می‌ترسند که ممکن است به شدت بر منافع درهم‌تنیده آن‌ها در منطقه تأثیر بگذارد (ماهر، ۲۰۲۳: ۱۲-۱۳). درواقع، براساس نظریه موازنه قدرت، دولت‌ها تحت فشارهای نظام انارشیک بین‌المللی به‌طور عقلایی در پی افزایش قدرت و یا امنیت خود هستند. براساس این اصل، سازوکار بقاء، اجتماع دولت‌ها یا دولت‌های منفرد را وادار به مقابله با تمرکز و انباشت قدرت می‌کند (والتز، ۲۰۱۰: ۱۱۶).

۴-۵. تقابل جغرافیای سیاسی آمریکا و چین در تایوان

راهبرد چین در دهه‌های گذشته، به‌ویژه در دوران رهبری جیانگ زمین^۱ و هو جین تائو^۲ (۱۹۸۹-۲۰۱۲)، در درجه اول این بود که تایوان را از اعلام استقلال باز دارد و شرایط مساعدی برای احیای گفت‌وگوهای بین‌تنگه ایجاد کند؛ اما گزینه استفاده از قدرت نظامی خود را برای وادار کردن تایپه به پذیرش اتحاد مجدد براساس شرایط چین و جلوگیری یا حداقل افزایش هزینه‌های مداخله ایالات متحده حفظ کند. در زمانشی جین پینگ، اتحاد مجدد تایوان به‌عنوان تحقق هدف نهایی رؤیای چین ارائه می‌شود. درحالی‌که راه‌حل‌های صلح‌آمیز، شیوه‌ای بهتر برای اتحاد مجدد به شمار می‌آید؛ نشانه‌های فزاینده‌ای وجود دارد که پکن آماده استفاده از زور است (ژانگ، ۲۰۲۲: ۱۶). پارادایم امنیت ملی چین فراتر از مرزهای دفاعی باریک است و حول سه ستون مهم می‌چرخد: رشد اقتصادی، برخورداری از فناوریانه مستقل و آمادگی نظامی که مبتنی بر قابلیت دفاعی قوی و بومی است؛ بنابراین، چین راهبرد بلندمدتی را دنبال می‌کند که رشد اقتصادی و توانمندی دفاعی-صنعتی مستقل را در نظر دارد. از نظر

1. Jiang Zemin

2. Hu Jintao

3. Zhang

چین توسعه اقتصادی کلید پیشرفت نظامی است و از این رو، «سیاست درهای باز» را اتخاذ کرد که بر خودکفایی و هم‌زمان تعامل بین‌المللی تأکید دارد. این سه ویژگی همراه با آرزوهای راهبردی پکن در دریای چین جنوبی به‌ویژه بر سر تایوان، چالش بزرگی را برای سیاست‌گذاران متوالی ایالات متحده ایجاد کرده که منجر به رقابت جغرافیای سیاسی رو به رشد حداقل در دو دهه اخیر شده است. اخیراً، با پیشروی سیاسی پکن در حل و فصل مناقشات در منطقه خاورمیانه که قبلاً به‌طور انحصاری توسط ایالات متحده مدیریت می‌شد؛ پیش‌بینی می‌شود چشم‌انداز سیاسی در منطقه و فراتر از آن را تغییر دهد (ایگنیوس^۱، ۲۰۲۳: ۶). در حوزه‌های فنی و نظامی، از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، روند تعامل جهانی به‌خوبی با راهبرد چین برای دستیابی به حاکمیت دفاعی صنعتی سازگار بود. این امر چین را قادر می‌سازد تا ظرفیت فناوری محلی ایجاد کند که با مشارکت این کشور در شبکه‌های فناوری جهانی تسهیل می‌شود و در نتیجه به خوداتکایی اقتصادی و فناورانه دست می‌یابد که محور اصلی چهارچوب امنیتی چین باقی می‌ماند. با این حال، این راهبرد، همراه با تلاش‌های چین برای ایجاد برتری دریایی در دریای چین جنوبی، نگرانی‌هایی را در ایالات متحده ایجاد کرده است که راهبرد چین و سیاست‌های مرتبط با آن تا چه اندازه می‌تواند سلطه جهانی ایالات متحده و نفوذ راهبردی آن را تهدید و به چالش بکشد (خانا^۲، ۲۰۲۱: ۲۱۸). ایالات متحده به‌طور کامل نگران ظهور یک هژمون منطقه‌ای مانند چین در آسیا بوده است که می‌تواند در عرض چند سال منطقه را تصاحب کند؛ همان کاری که ایالات متحده آمریکا با نیمکره غربی پس از جنگ جهانی دوم انجام داد. از این رو، ایالات متحده به دنبال جلوگیری از تکرار سرنوشت خود توسط چین است. با توجه به ارتقا نظامی عظیم پکن در دو دهه اخیر که به‌عنوان یک نیروی اساسی حامی موقعیت جغرافیای سیاسی آن تلقی می‌شود؛ بنابراین پیشرفت فناورانه چین چالش بزرگی برای ایالات متحده از نظر رقابت جغرافیای سیاسی آمریکا با چین ایجاد می‌کند. از منظر چین، سیاست‌گذاران در پکن تلاش‌های سرسختانه ایالات متحده برای مداخله در منطقه دریایی شرق آسیا را به‌ویژه بزرگ‌ترین مانع

1. Ignious
2. Khanna



برای اتحاد مجدد چین با تایوان می‌دانند. از نظر واشینگتن و برخلاف برخی تحلیل‌ها، ایالات متحده موضعی دوپهلو در قبال تایوان اتخاذ نمی‌کند؛ بلکه موضع ثابتی دارد. اگرچه ایالات متحده براساس سیاست چین واحد در سال ۱۹۷۱ تایوان را به‌عنوان بخشی از چین به رسمیت می‌شناسد؛ اما واشینگتن از زمانی که کنگره قانون روابط تایوان را در سال ۱۹۷۹ تصویب کرد؛ در عمل از جدایی تایوان حمایت کرد و آن را در مقابل پکن قرار داد و در صورت تلاش چین برای تغییر اجباری وضعیت موجود، کاخ سفید مداخله خواهد کرد (ماهر، ۲۰۲۳: ۴-۶). با وجود برتری جهانی در حال گسترش ایالات متحده به‌عنوان ابرقدرت جهان، این کشور برای مدت طولانی به ظهور چین و قاطعیت آن در منطقه آسیا-اقیانوسیه به‌عنوان تهدیدی برای تسلط جهانی خود نگاه کرده است. جوزف نای^۱ استدلال می‌کند که اگر تایوان موضوع بحث نبود؛ رابطه بین ایالات متحده و چین می‌توانست به رقابت راهبردی مدیریت شده تقلیل یابد؛ اما عدم مدیریت مسئله تایوان می‌تواند منجر به تقابل وجودی گسترده‌تر شود. با این حال، دیدگاه کلاسیک سیاست‌گذاران آمریکایی به‌طور مداوم با برتری ایالات متحده جهت‌گیری شده است و آینده را یا از نظر تسلط جهانی ایالات متحده، یا جنگ سرد جدید با چین با قدرت رقابتی فوق‌العاده و تلاش‌های پیگیر پکن برای ضمیمه کردن تایوان درک می‌کنند (خانا، ۲۰۲۱: ۲۱۶). امروزه با وجود درخواست‌های اعضای طرفدار تایوان در کنگره آمریکا مبنی بر درخواست از کاخ سفید برای اعزام ناوهای هواپیمابر برای کمک به تایوان، مانند بیل کلینتون در دهه ۱۹۹۰، واشینگتن می‌داند که موشک‌های بالستیک ضد کشتی چینی می‌تواند هر کشتی آمریکایی را که وارد منطقه می‌شود در معرض خطر قرار دهد (آلیسون، ۲۰۱۷: ۱۴). از این رو، در صورتی که چین بتواند تایوان را به تصرف خود درآورد و بر این کشور تسلط پیدا کند این امر باعث تغییر شدید توازن قدرت در امور جهانی خواهد شد و مزیتی برای چین ایجاد می‌کند و درعین حال قدرت آمریکا و متحدانش در منطقه اقیانوس آرام را کاهش می‌دهد. در نتیجه، ایالات متحده به دنبال تقویت ائتلاف متحدان خود در اقیانوس هندو-آرام است که این امر احتمالاً به رقابت امنیتی با پکن دامن می‌زند. میرشایمر استدلال

1. Joseph Nye

می‌کند که راهبرد ایالات متحده برای جلوگیری از تسلط چین بر سایر مناطق، رقابت با پکن را تشدید خواهد کرد. در حالی که چین قصد دارد شکاف قدرت را با متحدان منطقه‌ای ایالات متحده مانند ژاپن، کره جنوبی، هند و فیلیپین در شرق آسیا به حداکثر برساند؛ متحدان ایالات متحده نگران برتری چین هستند و ممکن است در صورت تشدید تنش بر سر تایوان به دنبال همکاری لجستیکی با ایالات متحده باشند (ماهر، ۲۰۲۳: ۶). در این رابطه، در سفر لوئید آستین^۱، وزیر دفاع ایالات متحده، به مانیل در ۲ فوریه ۲۰۲۳، مقامات دفاعی فیلیپین و ایالات متحده اعلام کردند که تأسیسات نظامی اضافی فیلیپین براساس توافقنامه همکاری دفاعی پیشرفته (۲۰۱۴)، میزبان نیروهای آمریکایی خواهد بود. واکنش نامطلوب پکن به این توافقنامه از این واقعیت ناشی می‌شود که دسترسی آمریکا به پایگاه‌ها مانع از عملیات نظامی چین در اولین زنجیره جزیره می‌شود. این پایگاه‌ها همچنین ایالات متحده را قادر می‌سازد تا از عملیات دریایی و هوایی به‌طور مؤثر برای حفظ نظم دریایی و کمک راهبردی به دفاع تایوان پشتیبانی کند. یک تحلیلگر ارشد دفاعی استرالیایی با جمع‌بندی پیامدهای دیپلماتیک و راهبردی توافقنامه همکاری دفاعی پیشرفته، اذعان داشت: «این توافق روابط صمیمانه بین ایالات متحده و فیلیپین را به قیمت جاه‌طلبی‌های چین برای داشتن حضور و نفوذ مسلط تقویت می‌کند» (هوانگ، ۲۰۲۳: ۴). در این خصوص باید گفت؛ هدف اصلی آمریکا از فرش تسلیحات به تایوان پرداختن به راهبرد موازنه نرم خارجی با چین و تضعیف و تحلیل بردن توانمندی نظامی و جایگاه و قدرت نسبی این کشور در تنگه تایوان است. یکی از مقامات آمریکایی فروش تسلیحات به تایوان را این‌گونه توجیه می‌کند که «موازنه قدرت در تنگه تایوان به نفع چین در حال تغییر است» و ایالات متحده می‌خواهد این تعادل و توازن را برگرداند (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۴۸). از این رو، از اقدامات آمریکا در رابطه با ممانعت از خیزش پکن در منطقه، بستن اتحادها و ائتلاف‌های نظامی با هم‌پیمانان در شرق آسیا است. براساس نظریه موازنه قدرت، افزایش سریع قدرت یک بازیگر باعث تحریک سایر بازیگران برای افزایش قدرت خود و در صورت عدم کفایت، موجب ایجاد اتحاد میان آن‌ها برای جلوگیری

1. Lloyd Austin



از ظهور هژمون بالقوه می‌گردد و زمانی که موازنه قدرت برقرار شد جاه‌طلبی‌های هژمون از میان می‌رود (والترز، ۲۰۱۰: ۹۳). در آغاز سال ۲۰۲۱، با مانورهای دولت جمهوری خلق چین در نزدیکی مرزهای آبی تایوان و تشدید تقابل بین جمهوری خلق چین و آمریکا منازعه بین دو طرف افزایش یافت. تهدید پکن به استفاده از نیروی نظامی و ایجاد محدودیت در مراودات تجاری، تایپه و متحدان آن را نیز به عکس‌العمل و واکنش دفاعی واداشت. اگرچه هاینو کلینک^۱، معاون دستیار وزیر دفاع آمریکا در امور شرق آسیا در دولت ترامپ با سفر به تایوان در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۹، دست به اقدام تهاجمی زد که از دید پکن اقدامی تحریک‌آمیز بود. در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۱، دولت جو بایدن، در واکنش به اقدامات چین، بیانیه‌ای با عنوان «فشار نظامی جمهوری خلق چین علیه تایوان، تهدیدکننده صلح و ثبات منطقه‌ای» صادر کرد. در این بیانیه از پکن خواسته شده است که «فشارهای نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی خود علیه تایوان را متوقف کرده و در عوض با نمایندگان منتخب دموکراتیک دولت تایوان در گفت‌وگو و مذاکره مؤثر شرکت کند». وی افزود که «روابط عمیق‌تر خود را با تایوان دموکراتیک حفظ خواهیم کرد» و سپس به‌طور امیدوارانه‌ای تصریح کرد که «تعهد ما به تایوان مستحکم و همیشگی است و به حفظ صلح و ثبات در تنگه تایوان و در منطقه کمک خواهد کرد» (گلشاهی، ۱۴۰۱: ۸). تجارت دوجانبه ایالات متحده و تایوان در سال ۲۰۲۲ به میزان ۱۲۴ میلیارد دلار بود که تایوان را در میان ده شریک تجاری برتر ایالات متحده قرار داد. در سال‌های اخیر، تعاملات سطح بالا بین ایالات متحده و تایوان بیشتر شده است که شامل دیدار مقامات در سطح کابینه ایالات متحده و هیئت‌های متعدد کنگره از تایوان است. با سفر بحث‌برانگیز نانسی به تایوان چین با برگزاری بزرگ‌ترین مانورهای نظامی در تنگه تایوان به آن پاسخ داد که تهدیدی جدی برای این جزیره بود (سواستوپولو^۲، ۲۰۲۲: ۶). این سفر به‌طور جدی بر پایه‌های سیاسی روابط چین و آمریکا تأثیر گذاشت و صلح و ثبات در تنگه تایوان را به خطر انداخت و یک سیگنال اشتباه به نیروهای جدایی‌طلب که به دنبال استقلال تایوان هستند؛ ارسال کرد. درواقع، سیاستمداران آمریکایی در راستای بهره‌گیری از بحران تایوان به‌عنوان ابزاری جهت

1. Heino Klinck
2. Sevastopulo

مهار جهش‌های اخیر چین، با نیروهای داخلی تایوان که به دنبال استقلال از جهان خارج هستند، هم‌بستگی نشان می‌دهند و اصل چین واحد را زیر سؤال می‌برند و آن را تضعیف می‌کنند. درحالی‌که ایالات متحده همچنان قدرت نظامی غالب خود را در منطقه آسیا و اقیانوسیه حفظ کرده است؛ رشد سریع اقتصادی چین و پیشرفت قابل‌توجه نوسازی نظامی این کشور، قدرت نظامی واشینگتن را به‌طور فزاینده‌ای به چالش کشیده است. چین که به‌طور فزاینده‌ای قدرتمند تحت رهبری شی جین پینگ قرار دارد؛ بیشتر بر دستور کار اتحاد مجدد خود با تایوان متمرکز است. بدین ترتیب، افزایش تهدیدات روزافزون پکن در منطقه چالشی جدی برای تایوان و ایالات متحده ایجاد می‌کند (کو^۱، ۲۰۲۳: ۶). پیام‌هایشی جین پینگ به بایدن در اولین دیدار مجازی خود در نوامبر ۲۰۲۱ شامل یک هشدار تند بود که «هرکس با آتش بازی کند؛ می‌سوزد»؛ توصیه به عدم استفاده از کارت تایوان برای مهار چین بود؛ اما این امر نشان‌دهنده فوریت برای دستیابی به اتحاد مجدد تایوان نیست. شی در مورد این هدف بلندمدت گفت: «ما صبر داریم و برای چشم‌انداز اتحاد مجدد مسالمت‌آمیز با نهایت صمیمیت تلاش خواهیم کرد». وی این هشدار را اضافه کرد که اگر چین توسط «نیروهای جدایی‌طلب برای استقلال تایوان» تحت فشار قرار بگیرد؛ مجبور خواهد شد اقدامات قاطعانه‌ای اتخاذ کند». هنگامی کهشی جین پینگ و بایدن در حاشیه نشست سران گروه ۲۰ در بالی، پایتخت اندونزی، در نوامبر ۲۰۲۲ با یکدیگر ملاقات کردند؛ شی تأکید کرد که مسئله تایوان «هسته اصلی منافع چین» است و اولین خط قرمزی است که نباید در روابط چین و آمریکا از آن عبور کرد (هاس، ۲۰۲۳: ۶۴). تمرکز اصلی بایدن موازنه‌سازی با استفاده از کارت تایوان در مقابل چین است. دولت بایدن اعلام کرده است که اگر چین به این جزیره حمله کند، ایالات متحده از تایوان به صورتی مستحکم دفاع خواهد کرد. بااین‌حال، برخی از کارشناسان اظهار داشته‌اند که این امر فقط برای جلوگیری از هرگونه حرکت رادیکال بیشتر توسط دولت پکن بوده است؛ زیرا اگرچه چین اکنون قدرت بیشتری را هم از نظر اقتصادی و هم از نظر نظامی جمع‌آوری کرده است؛ هنوز سال‌ها طول می‌کشد تا بتواند تایوان را با



موفقیت سرکوب کند (جویاندی و همکاران، ۲۰۲۲: ۵). نوسازی ارتش چین در دو دهه گذشته به‌طور پیوسته موازنه نظامی در سراسر تنگه تایوان را به نفع پکن تغییر داده و منافع ایالات متحده در اقیانوس هند و اقیانوس آرام را با چالش جدی مواجه می‌کند.

به علت افزایش تهدیدات چین در سال‌های اخیر، بایدن صرفاً به احاله مسئولیت اکتفا نکرده و حضور مستقیم در جزیره تایوان را نیز افزایش داده است. این اقدام نیز در جهت موازنه‌سازی در برابر چین صورت گرفته است. ایالات متحده همچنان نسبت به تایوان به‌عنوان دارایی راهبردی خود علاقه نشان داده است و به این ترتیب، جدایی‌طلبی مداوم تایوان از سرزمین اصلی چین را در راستای منافع ملی ایالات متحده می‌داند. از سوی دیگر، پکن نیز با لفاظی‌های دیپلماتیک قوی، افزایش فعالیت‌های نظامی در اطراف تایوان و تقویت همکاری‌ها با رقبای ایالات متحده نظیر کره شمالی برای مقابله با این موضوع واکنش نشان داده است؛ بنابراین تقابل بین سیاست‌های خارجی ایالات متحده و چین خطر نوع جدیدی از جنگ سرد به‌ویژه بر سر نقاط جغرافیایی بحرانی مانند تایوان را افزایش می‌دهد (زارعان و دعاگوی روزبهرانی، ۱۰۴۲: ۳۱). قاطعیت فزاینده چین و نظامی‌سازی مستمر آب‌های اطراف تایوان و سیاست تهاجمی آن در قبال این تنگه، باعث گسترش حضور و واکنش ایالات متحده در منطقه خواهد شد که این امر ضمن توسعه مسابقه تسلیحاتی عظیم در شرق آسیا، می‌تواند سبب خدشه‌دار شدن ثبات و امنیت منطقه شود. جلوگیری از خیزش چین و کاهش قدرت فزاینده آن در منطقه، موازنه قدرت را به نفع ایالات متحده و تایوان در آسیا-اقیانوسیه تغییر خواهد داد. درواقع، آمریکا در چند سال اخیر به‌ویژه از زمان به قدرت رسیدن ترامپ در سال ۲۰۱۷ سیاستی جدید را با نام «ایندوپاسیفیک» در به چالش کشیدن قدرت روزافزون چین با شدت و حدت تمام دنبال می‌کند. هدف اصلی این سیاست که منطقه‌ای بسیار گسترده و سرشار از منابع که از اقیانوس هند تا آرام را در برمی‌گیرد؛ کوتاه کردن دست چین از تسلط بر منطقه مذکور و مهار آن توسط واشینگتن است؛ چراکه طبق تئوری‌های موجود در زمینه روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی که مجال بحث درباره آن‌ها در اینجا نیست، منطقه ایندوپاسیفیک اهمیتی فوق راهبردی دارد.

۶. نتیجه گیری و پیشنهاد

چین و آسیای شرقی در حال تبدیل شدن به مراکز اقتصاد جهانی هستند. هر روز به طور روزافزون همه راه‌ها به سرزمین اصلی چین ختم می‌شوند. به رغم پایان یافتن پیمان دفاعی رسمی دوجانبه بین آمریکا و تایوان (از ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۰)، واشینگتن و متحدان منطقه‌ای خود در شرق آسیا، به حمایت از تایوان به شیوه‌های مختلف ادامه می‌دهند. بدین علت که تایوان هنوز هم به عنوان بخشی از شبکه ائتلاف آمریکا در آسیا برای محاصره ارتش چین عمل می‌کند. این راهبرد محاصره‌سازی در هیچ جایی از جهان آشکارتر از شرق آسیا که ایالات متحده در راستای مهار و انزوای نیروی دریایی چین گام برمی‌دارد؛ دیده نمی‌شود. موقعیت جغرافیایی تایوان که بین دریای جنوبی چین و دریای چین شرقی واقع شده است؛ مسیرهای راهبردی کشتیرانی دریایی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. این تنگه نقش بسزایی در تسهیل انتقال نفت و گاز و تجارت بازرگانی در شرق آسیا ایفا می‌کند که این امر می‌تواند به افزایش اهمیت تنگه تایوان در سیاست خارجی بازیگران منطقه و بین‌الملل از جمله ایالات متحده کمک کند. واشینگتن پیوندهای نظامی قوی خود را با تایوان همچنان حفظ نموده و علت آن هم این است که تایوان یک مرکز فرماندهی لجستیکی برای حضور نظامی ایالات متحده در شرق آسیا علیه جمهوری خلق چین و قدرت روزافزون منطقه‌ای آن فراهم می‌کند. تایوان از متحدان نزدیک ایالات متحده و یک پایگاه دریایی راهبردی برای این کشور در شرق آسیا است. این تنگه به شدت به ایالات متحده نگاه نظامی دارند و از سوی واشینگتن مجهز به تجهیزات و ادوات نظامی شده است تا نظارت نظامی خود را بر این آبراهه‌های حیاتی که تحت سناریوی جنگ بین آمریکا و چین قرار دارد، اعمال نمایند. نگرانی کلیدی امنیتی چین به طور مستقیم با تایوان مرتبط است. حضور گسترده ایالات متحده در تنگه تایوان و فروش بالای ادوات و تجهیزات نظامی به تاپیه، تقریباً به طور قطع ترس جمهوری خلق چین در مورد نیات ایالات متحده در مورد تایوان را افزایش می‌دهد و در نتیجه، چالش امنیتی در تنگه تایوان را تشدید می‌کند. چین و ایالات متحده از اهداف و منافع متضادی در منطقه برخوردار هستند. دو کشور منافع متضادی در تایوان دارند که چین آن را یک منافع حیاتی



می‌داند. این جزیره یک منافع اصلی امنیت سرزمینی مستقل برای چین و یک تعهد کلیدی امنیتی بین‌المللی برای ایالات متحده محسوب می‌شود. نگرانی کلیدی امنیتی چین به‌طور مستقیم با تایوان مرتبط است که تهدیدی امنیتی برای حاکمیت و تمامیت ارضی چین محسوب می‌شود. برای چین، این امر به معنای عزم پکن برای جلوگیری از استقلال تایوان و مداخله ایالات متحده و در نهایت، متحد کردن تایوان است؛ درحالی‌که برای ایالات متحده، این به معنای بازدارندگی چین از تغییرات اجباری در وضعیت موجود است. موضوع تایوان اگرچه منعکس‌کننده منافع متضاد است؛ اما دارای ویژگی‌هایی شبیه به یک چالش امنیتی است، زیرا پکن اتحاد را حفظ وضعیت موجود حاکمیت چین می‌داند؛ درحالی‌که ایالات متحده وحدت را تغییر وضعیت موجود استقلال عملی می‌داند. تایوان محور نگرانی‌های امنیتی چین است؛ بنابراین، پایان دادن به تعهد ایالات متحده به تایوان ممکن است رقابت نظامی ایالات متحده و چین را متحول کند. در حالت شدید، پایان دادن به تعهد، تمایل چین برای تسلط بر شمال شرق آسیا را از بین می‌برد. در مقابل، اگر چین نیز به دلایل غیرامنیتی برای بیرون راندن ایالات متحده از شمال شرق آسیا ارزش زیادی قائل است؛ آنگاه انگیزه‌های ایالات متحده برای تغییر سیاست خود در قبال تایوان بسیار کم‌تر و خطرات آن بزرگ‌تر خواهد بود. حضور محدود نظامیان آمریکایی در جزیره، تداوم آزادی ناوبری ناوگان ایالات متحده در منطقه و فروش تسلیحات نظامی به‌منظور ارتقای توان بازدارندگی تایوان در برابر ارتش آزادی‌بخش را می‌توان سه مؤلفه اساسی از راهبرد آمریکا در قبال تایوان دانست. آمریکا به‌عنوان یک قدرت جهانی از همان سال‌های اعلام خودمختاری تایوان، به‌دلیل تضاد ایدئولوژیکی موجود با چین و تعقیب منافع خود در عرصه بین‌المللی، حمایت‌های سیاسی خود از تایوان را آغاز کرد. البته باید خاطر نشان کرد در طول دهه‌های گذشته، آمریکایی‌ها در اغلب موارد نوعی دیپلماسی دو پهلوی را در قبال چین و تایوان اعمال می‌کردند تا از یک‌سو باعث تحریک چین نشوند و از سوی دیگر، کماکان مسئله جدایی‌طلبی تایوان را به‌عنوان یک اهرم فشار علیه چین، لاینحل باقی بگذارند. ترامپ چین را به‌عنوان یک قدرت تجدیدنظرطلب توصیف می‌کرد که به دنبال هژمونی منطقه‌ای در هند و اقیانوسیه و در

درازمدت دارای هدف برتری جهانی است. ترامپ با به چالش کشیدن روابط ایالات متحده و چین به توسعه روابط واشینگتن با تایپه پرداخت که این امر باعث افزایش تنش‌ها و رقابت آمریکا و چین در شرق آسیا شد. دولت بایدن چین را یک تهدید راهبردی برای نظم منطقه‌ای در شرق آسیا و همچنین تهدیدی برای موقعیت و جایگاه بین‌المللی ایالات متحده قلمداد می‌کند که این امر باعث توسعه روابط گسترده‌تر ایالات متحده با تایوان و تلاش برای مهار چین در منطقه شده است. در شرایط کنونی اقدامات ایالات متحده در قبال چین و تایوان، تابعی از افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای چین است. تایوان با وجود نزدیکی تجاری این جزیره با چین، همچنان شریک راهبردی و مهم ایالات متحده باقی‌مانده است و از لحاظ سیاسی حاضر به پذیرش خواسته‌های پکن نیست. از طرفی، جمهوری خلق چین نیز کماکان از ادعای مالکیت خود بر تایوان دست نکشیده است. دولت چین سال‌هاست که تایوان را خودمختار از سرزمین اصلی می‌داند و با هرگونه حرکت استقلال‌طلبانه سیاسی و حقوقی یا عضویت تایپه در نهادهای مختلف بین‌المللی مخالف است. چینی‌ها ساخت زیرساخت‌ها و ساختارهای زیردریایی را به‌عنوان یک وسیله مؤثر مبارزه علیه نیروی دریایی آمریکا و توسعه قدرت دریایی خود آغاز کرده‌اند. این اقدامات بخشی از سیاست دریایی فعال چین است که با هدف تأمین امنیت دریای شرقی و جنوبی چین و اقیانوس هند انجام می‌دهد. ناکامی ایالات متحده در دفاع از تایوان می‌تواند منجر به تسلط چین بر منطقه اقیانوس آرام شود و ایالات متحده را از این منطقه راهبردی بیرون کند و این موضوع می‌تواند به معنای ناتوانی ایالات متحده در تبدیل شدن به یک متحد قابل اعتماد باشد. از این‌رو، پنتاگون از طریق پایگاه‌های خود در تایوان، کره جنوبی و ژاپن فعالانه به دنبال فشار بر چین است و از این طریق در تلاش است تا به کاهش قدرت و مهار و انزوای پکن در صحنه منطقه مبادرت ورزد که این امر باعث افزایش تنش‌ها و رقابت جغرافیای سیاسی آمریکا و چین در آب‌های اطراف چین و تنگه تایوان و در نهایت خدشه‌دار شدن چشم‌انداز ثبات و امنیت منطقه خواهد شد.



۶-۱. پیشنهادهای پژوهش

هرگونه تنش میان تایوان با چین به عنوان اصلی ترین شریک تجاری آن، بازارهای جهان از جمله ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد و از هر دو جبهه این جنگ احتمالی آسیب اقتصادی خواهد دید؛ بنابراین پیشنهاد می شود ایران باید از مجاری دیپلماتیک مانع از توسعه خصومت ها و تنش ها میان چین و تایوان شود. از آنجایی که سرنوشت اقتصادی ایران براساس سند راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین، به دیپلماسی پکن گره خورده و اگر تایوان را برگ برنده آمریکا در منطقه شرق آسیا بدانیم؛ ایران نیز برگ برنده ای در دست چین در غرب آسیا خواهد بود؛ بنابراین تهران جهت خنثی سازی تحریم های واشینگتن باید روابط خود را با پکن بیش از پیش توسعه بخشد. تهران با مزایایی که از این همکاری به دست می آورد؛ می تواند از جایگاه چین در نظام بین الملل به خصوص در نهادهای بین المللی همچون؛ شورای امنیت سازمان ملل متحد، سازمان همکاری شانگهای، بریکس و ... در راستای مقابله با سیاست های یک جانبه آمریکا استفاده کند. همچنان که چین در شرایط تحریم می تواند خریدار خوبی برای نفت ایران باشد؛ همکاری های دو کشور در حوزه های هسته ای، نظامی و تسلیحاتی، ضمن خنثی سازی تحریم های بین المللی آمریکا و غرب علیه ایران، کمک شایانی به جلوگیری از تضعیف و انزوای منطقه ای نیز تهران خواهد کرد. ایران در رده های پایین روابط تجاری با تایوان قرار دارد؛ درواقع ایران برای صنایع تایوان فقط مواد خامی همچون نفت، آلومینیوم و فولاد صادر می کند و از آن قطعات الکترونیکی وارد می کند؛ اما انحصاری که تایوان در بازار صنایع تک دارد؛ بازار وارداتی ایران را نیز دستخوش گرانی و نبود کالا خواهد کرد؛ بنابراین تهران باید روابط خود را علاوه بر پکن با تایپه نیز حفظ و توسعه دهد.

فهرست منابع

- احمدی مقدم، اسماعیل؛ احمدوند، علی محمد؛ مبینی دهکردی، عبدالله؛ تسلیمی کار، بهروز (۱۴۰۰). *راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران مبتنی بر نقش عوامل ژئوپلیتیک نظامی* یمن، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نوزدهم، شماره ۷۳.
- ارغوانی پیرسلامی، فربرز و مرتضی اسمعیلی (۱۳۹۳). *نظام بین‌المللی در حال گذار و روابط دوجانبه آمریکا و چین (۲۰۱۰-۱۹۹۱)*، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۲۲.
- جعفری ولدانی، اصغر و محسن پیرهادی (۱۳۹۵). *جایگزینی نفوذ آمریکا به جای انگلیس در ایران (۹۷۹۱-۳۵۹۱)*، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره ۲۲.
- زارعان، احمد و رضا دعاگوی روزبهرانی (۱۴۰۲). *سیاست خارجی دولت بایدن در قبال چین با تمرکز بر مسئله تایوان*، فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، سال سوم، شماره ۱۰.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و شیرین حداد زند (۱۴۰۲). *جنگ تجاری چین و آمریکا و پیامد آن بر کشورهای جنوب شرق آسیا؛ مطالعه موردی ویتنام و تایوان*، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۴.
- گلشاهی، محمد (۱۴۰۱). *روابط ایالات متحده آمریکا، جمهوری خلق چین و تایوان (بر مبنای راهبردی پیشگیری از جنگ) ۲۰۲۲-۲۰۲۰*، انتشارات مناره.
- گوهری مقدم، ابوذر؛ فیضی، رضا و باباهادی، محمدباقر (۱۳۹۷). *بررسی مفهوم هویت و منافع ملی و رابطه بین آن‌ها در اندیشه مقام معظم رهبری* (مدظله‌العالی)، فصلنامه امنیت ملی، سال ۸.
- ملکی، مصطفی و حسینی یزدی، علیرضا (۱۴۰۲). *سیاست‌های راهبردی ترکیه در دریای مدیترانه براساس موازنه تهدید*، فصلنامه روابط خارجی، سال پانزدهم، شماره ۵۶، صص ۱۹۴-۱۷۳.
- نجم‌آبادی، مرتضی؛ بخشی، رامین و زرنگار، احسان (۱۳۹۸). *جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی آمریکا به ایران*، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۴۶.
- وثوقی، سعید؛ رستمی، امیرحسین و یزدانی، عنایت‌اله (۱۳۹۷). *تأثیر قدرت‌یابی چین بر روابط و رقابت با آمریکا*، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره ۳۰.



References

- Allison, Graham (2017). *Destined for War: Can America and China Escape Thucydides's Trap?*, Houghton Mifflin Harcourt, pp. 1-384
- Blackwill, Robert D. And Philip Zelikow(2021). *The United States, China, and Taiwan: A Strategy to Prevent War*, Council on Foreign Relations, pp. 1-100
- Bown, Chad P. And Yilin Wang (2023). *Taiwan's outbound foreign investment*, PIIE, available at: <https://www.piie.com/research/piie-charts/taiwans-outbound-foreign-investmentparticularly-tech-continues-go-mainla>
- Chen, Xuancheng (2023). *Will the US and China Go to War over Taiwan?*, Proceedings of the 4th International Conference on Educational Innovation and Philosophical Inquiries, pp. 1-4
- Dinh, Thu Hien(2019). *China's South China Sea Strategy A Structural Realist Case Study*, Development and International Relations - Chinese Area Studies, pp. 1-56
- Djuyandi, Yusa And Arfin Sudirman And Widya Setiabudi(2022). "taiwan crisis: a strategic analysis amid the us-china tension, Seybold Report, 17(8), pp. 595-610
- Erickson, Andrew S. And Joel Wuthnow(2016). *Barriers, Springboards and Benchmarks: China Conceptualizes the Pacific "Island Chains*, The China Quarterly, Vol. 16, No. 225, pp. 1-22
- Gordon, Susan M. And Michael G. Mullen And David Sacks(2023). *U.S.-Taiwan Relations in a New Era: Responding to a More Assertive China*, Council on Foreign Relations, pp. 1-145
- Hass, Ryan (2022). *An American perspective on the role of Taiwan in US-China relations*, Brookings, available at: <https://www.brookings.edu/articles/an-american-perspective-on-the-role-of-taiwan-in-us-china-relations/>
- Ignatious, D. (2023). *How China is heralding the beginnings of a multipolar Middle East*, The Washington Post, available at: <https://www.washingtonpost.com/opinions/2023/03/16/china-saudi-arabia-iran-middle-east-change/>
- Khanna, Parag (2021). *The Biden administration faces China and climate change*, journal of Orbis, Vol. 65 No. 2, pp. 214-222
- Kim, Seung Min (2022). *Military thinks Pelosi Taiwan trip 'not a good idea,' Biden says*, Military Times, available at: <https://www.militarytimes.com/news/pentagon-congress/2022/07/20/military-thinks-pelositaiwan-trip-not-a-good-idea-biden-says>
- Kratiuk, Barbara (2023). *Strategic alliances and alignments in the Indo-pacific*, Handbook of Indo-Pacific Studies, Routledge, pp. 248-265
- Kuo, Raymond (2023). *Strategic Ambiguity' Has the U.S. and Taiwan Trapped*. Foreign Policy, available at: <https://foreignpolicy.com/2023/01/18/taiwan-us-china-strategic-ambiguity-military-strategy-asymmetric-defense-invasion/>
- Layne, Christopher (2017). *The US foreign policy establishment and grand strategy: how American elites obstruct strategic adjustment*, International Politics, Vol. 54 No. 3, pp. 260-275
- Lee, Matthew(2022b). *US OKs \$1B Arms Sale to Taiwan as Tensions Rise with China*, AP News, available at: <https://apnews.com/article/taiwan-china-congress->

- government-and-politics-8901fc7feafbdbfc94e01055a7b1d997
- Maher, Nora (2023). US-China policy amid a persistent strategy: is conflict over Taiwan inevitable?, *Review of Economics and Political Science*, Vol. 8, No. 13, pp. 1-17
 - Morris, Lyle J. (2022). Listening to Xi Jinping on Taiwan. *War on the Rocks*, <https://warontherocks.com/2022/11/listen-to-xi-jingping-about-taiwan/>
 - O'Rourke, Ronald (2019). China's Actions in South and East China Seas: Implications for U.S. Interests—Background and Issues for Congress, Congressional Research Service, pp. 1-109
 - Hass, Ryan And Bonnie Glaser And Richard Bush(2023). U.S.-Taiwan Relations: Will China's Challenge Lead to a Crisis?, *Brookings Institution Press*, pp. 1-184
 - Scott, David (2018). The Indo-pacific in US strategy: responding to power shifts, *Rising Powers Quarterly*, Vol. 3 No. 2, pp. 19-43
 - Sevastopulo, Demetri (2022). US Allies Rattled by China's Aggressive Response to Nancy Pelosi's Taiwan Visit, *Financial Times*, available at: <https://www.ft.com/content/5462a57a-bd13-4313-b26b-9645b48a70ee>
 - Temitayo, Otenia(2017). Us- China's Disagreement Over South China Sea Issues: A Race For Control? An Analysis Through Realism's Lens, *International Journal of International Relations, Media And Mass Communication Studies*, Vol.3, No.3 pp.1-11
 - Thompson, Sue (2023). World war two and the post-war new order in Indo-pacific, *Routledge*, pp. 23-37
 - Yeager, Jake And William S. Gerichten (2022). Reestablish the US Military Assistance Advisory Group-Taiwan, *War on the Rocks*, <https://warontherocks.com/2022/01/reestablish-the-u-s-military-assistance-advisory-group-taiwan/>
 - Yuan, Jingdong (2023). The United States and stability in the Taiwan Strait, *Bulletin of the Atomic Scientists*, 79(2), pp. 80-86
 - Zhang, Tuosheng (2022). Risks of War and Paths to Peace Across the Taiwan Strait, *journal of Global Asia*, 17 (3), pp. 14-19